

علامه سید محمد حسین طباطبایی

آیت الله سید محمد حسین طباطبایی تبریزی، از جمله چهره های تأثیرگذار در جامعه علمی حوزوی و حتی دانشگاهی در دوران معاصر است. ذکاوت، دقت نظر، تلاش علمی، حافظه قوی، سیرت نیکو، همت والا و بسیاری از نکات مثبت دیگر، دست به دست هم داد تا وی «علامه» دوران ما باشد.

علامه طباطبایی در سال ۱۲۸۱ ش. در شهر تبریز به دنیا آمد. در کودکی از نعمت پدر و مادر محروم شد و تحت تکفل وصی پدرش قرار گرفت. ایشان تحصیل را در وطن آغاز کرد و تا بیست و سه سالگی در تبریز بود. پس از آن بود که برای تکمیل دروس به همراه برادر، راهی نجف اشرف شد و از محضر اساتید بزرگی چون آیت الله محمد حسین غروی اصفهانی، آیت الله نائینی، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین بادکوبه ای و سید ابوالقاسم خوانساری بهره مند گردید.

علامه طباطبایی و حضرت آیت الله بهجت در نجف، چند سالی با یکدیگر به حلقه درس برخی از این اساتید می رفتند؛ لذا میان ایشان الفت و دوستی پدید آمده بود. به همین جهت بسیار شنیده می شد که حضرت آیت الله بهجت، به نقل قول از دوست قدیمی خویش، یا به بیان خاطراتی از او می پرداخت؛ از جمله درباره عبادات ایشان چنین می فرمود: «آقای طباطبایی رحمته الله علیه تمام لیالی ماه رمضان را احیا می کردند، صیفاً و شتاء».

وقتی علامه طباطبایی وارد نجف شد، حضرت آیت الله قاضی به سبب ارتباط خویشاوندی با ایشان، به دیدارش آمد و با بیان چند جمله، آتش نهفته درون طلبه جوان تبریزی را شعله ور ساخت. پس از این بود که علامه به محفل شاگردان حضرت آیت الله قاضی راه یافت و تا پایان عمر ایشان، این ارتباط ادامه داشت.

یکی از ویژگی های مهم علامه، جلسات پرثمر علمی ایشان بود؛ به طوری که در زمان معاصر، کمتر عالمی بدین حد، شاگردان برجسته و تأثیرگذار داشته است. البته ایشان از برخی شاگردان خود گله مند بود؛ چرا که پس از کسب برخی معلومات وارد دستگاه های حکومتی آن زمان می شدند؛ لذا حضرت آیت الله

بهبخت قدس سره می فرمود: «آقای طباطبایی در اوایل امرشکایت می کرد که برای عده ای منظومه و حکمت می گویم، ولی آنان می روند و در ادارات دولتی (در زمان رژیم پهلوی) داخل می شوند، و مردد بود که درس بگوید یا خیر».

علامه طباطبایی به سبب شدت فشار اقتصادی ناچار از نجف به تبریز برمی گردد و برای امرار معاش، بخشی از وقت خود را صرف کشاورزی می کند. پس از ده سال اقامت در تبریز، به قم می آید. اوایل ورود به قم، با آنکه عالمی کم نظیر بود، کسی او را نمی شناخت. سرو وضع ساده و تواضع و سکوت بسیار، موجب شده بود که کسی از علم و دانایی و تقوای او باخبر نباشد. تا آنجا که برخی از شاگردان، وقتی به محضر ایشان راه می یابند و متوجه دانایی و مهارت وی در علوم گوناگون می گردند، متعجب می شوند که این همان آخوندی است که ما بارها او را با سرو وضع ساده در خیابان دیده بودیم و ابداً احتمال نمی دادیم که دارای چنین مقامات علمی باشد!

حضرت آیت الله سید محمد حسین طباطبایی در تألیف نیز بسیار موفق بود. برجسته ترین آثار وی تفسیر المیزان است. این تفسیر در بیست جلد با روشی نو تألیف یافته و تحولی مهم در علم تفسیر قرآن به شمار می آید. علامه طباطبایی نفسی پاک و مهذب، و سیمایی جذاب و گیرا داشت. کسانی که توفیق ملاقات با آن مرد الهی را داشتند، می دیدند که با وجود دانش سرشار، تواضع و حیایی بسیار دارد و با اینکه علامه زمان بود، لفظ «نمی دانم» بسیار از ایشان شنیده می شد و به کسی اجازه نمی داد که در نماز به او اقتدا کند. خلق لطیف و طبع بلندش، حاکی از باطن مصفا و پاکش داشت. آن قدر مؤدب بود که حتی در برابر شاگردان نیز به جایی تکیه نمی کرد.

از هرانگشتش یک هنرمی بارید؛ طبع روان و اشعار پر مغز و ادیبانه، تبحر در ریاضیات و معماری، حکمت و فلسفه، فقه، اصول، تفسیر قرآن کریم و... حتی در مهارت های روزمره زندگی نیز سرآمد اقران بود، در کشاورزی و باغداری شیوه های منحصر به فردی داشت، در تیراندازی و سوارکاری و شنا بسیار ماهر بود و خطاطی زبردست به شمار می آمد، ولی با همه اینها آرام و بی ادعادت زندگی دنیا را به سرآورد و با صبر و تحملی عجیب زندگی دشوار و پراز سختی خود را سپری کرد و پس از هشتاد و یک سال زندگی پربرکت، در تاریخ هجدهم محرم ۱۴۰۲ / بیست و چهارم آبان ۱۳۶۰ دیده از جهان فروبست و در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.